

مربوط به زده جنابینا

کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی
بنیاد و آیرة المعارف اسلامی

دانشنامه جهان اسلام

ج - ج

جنت - چشتیه

(۱۱)

شماره ثبت ۱۱۴۱۱۳
تاریخ ۱۳۸۶ / ۱۸ / ۱۳



زیر نظر

علامه علی حداد عادل

سازان می

حسن طارمی راو

تهران ۱۳۸۶

است؛ بعضی معتقدند که این بنا برج مراقبتی در شکل و شمایل مسجد یا بنایی نمادین، به مناسبت پیروزیهای نظامی بدرالجمالی، بوده است (← همانجاها). به عقیده مؤسس (ص ۲۵۷)، بدرالجمالی این مکان را مشهدی برای امام علی علیه السلام در نظر گرفته بود. با این همه، مسجد جیوشی با ساختار مسجد - مقبره، که در دوره فاطمیان شکل گرفت (کویان^۱، ص ۹۶)، تناسب بیشتری دارد.

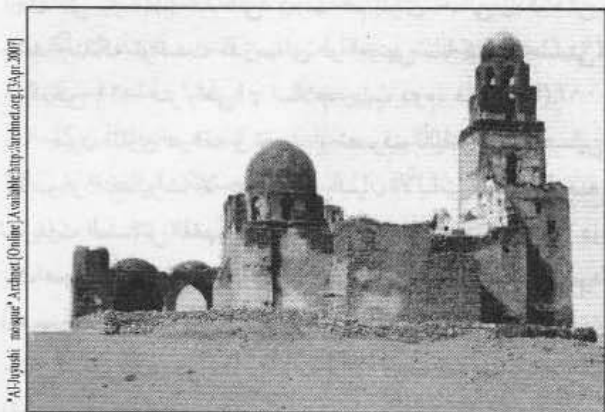
منابع: ابن میسر، اخبار مصر، ج ۲، چاپ هانری ماسه، قاهره ۱۹۱۹؛ سعاد ماهر محمد، مساجد مصر و اولیائوها الصالحون، ج ۱، [قاهره ۱۹۷۱]؛ سید عبدالعزیز سالم، المآذن المصریة، قاهره ۱۳۷۸/۱۹۵۹؛ فاطمه محمد محجوب، الموسوعة الذهبیة للعلوم الاسلامیة، ج ۱۲، قاهره دارالغد العربی، [بی تا]؛ ثروت عکاشه، القیم الجمالیة فی العمارة الاسلامیة، قاهره ۱۹۹۴/۱۴۱۴؛ کمال الدین سامح، العمارة الاسلامیة فی مصر، [قاهره] ۱۹۸۷؛ احمد بن علی مقریزی، کتاب الخطط المقریزیة، لبنان [۱۹۵۹]؛ حسین مؤنس، المساجد، کویت ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ طلعت رشادیاور، العمارة العربیة الاسلامیة فی مصر، بغداد ۱۹۸۹؛

Doris Behrens - Abouseif, *Islamic architecture in Cairo*, Leiden 1989; Robert Hillenbrand, *Islamic architecture: form, function and meaning*, Edinburgh 1994; Doğan Kuban, "The central Arab lands", in *The Mosque: history, architectural development & regional diversity*, ed. Martin Frishman and Hasan Uddin Khan, London: Thames and Hudson, 1994; Alexandre Papadopoulo, *Islam and Muslim art*, translated from the French by Robert Erich Wolf, London 1980; Andrew Petersen, *Dictionary of Islamic architecture*, London 1996.

اکرم ارجح /

جیون، احمد بن ابی سعید، فقیه حنفی و مفسر و صوفی هندی در قرن یازدهم و دوازدهم. او را به آن سبب که گفته می شود از اعقاب صالح نبی و از نسل خلیفه ابوبکر بوده است، صالحی و صدیقی نیز خوانده اند (← آزاد بلگرامی، ص ۷۹؛ حسنی، ج ۶، ص ۲۰)، اما وی در منابع بیشتر به ملاً جیون مشهور است. جیون واژه ای هندی به معنای حیات است (صدیق حسن خان، ج ۳، ص ۲۳۵).

جیون در شعبان ۱۰۴۷ در اُمیتھی، قصبه ای نزدیک لکهنو، به دنیا آمد. در هفت سالگی حافظ قرآن شد و علوم دینی رایج را نزد عالمان مشهور فراگرفت. وی دروس ابتدایی را از شیخ محمدصادق سترکھی آموخت و در شانزده سالگی نزد استادش، لطف الله کورا جهان آبادی، از تحصیل علوم عقلی و نقلی دینی



مسجد جیوشی

ص ۲۳۴؛ فاطمه محمد محجوب، ج ۱۲، ص ۵۸۶-۵۸۷؛ کمال الدین سامح، ص ۹۹). اتاق کوچک گنبدداری در شمال شرقی بنا وجود دارد که احتمالاً پس از تکمیل بنای اولیه به آن افزوده شده است (← برنس - ابوسیف، همانجا).

منار مسجد، با بیست متر ارتفاع از یک بدنه اصلی با قاعده مستطیل به ارتفاع ۱۴ر۱۸ متر و دو طبقه در بالای آن تشکیل شده است. قاعده طبقه اول، مربع شکل و قاعده طبقه دوم، هشت ضلعی است و گنبد آجری کوچکی نیز بر فراز آن قرار دارد. هر دو طبقه در تمام اضلاع پنجره های طاقدار دارند (سید عبدالعزیز سالم، ص ۱۹-۲۰؛ سعاد ماهر محمد، ج ۱، ص ۲۸۴؛ پترسن، همانجا). این منار شبیه منار جامع قیروان (قرن سوم؛ ← قیروان*)، مسجد است. ویژگی این منار وجود تزیینات مقرنس بر قرنیز بخش مربع شکل آن است و این نخستین مقرنس کاری است که در بناهای مصر شناسایی شده است (برنس - ابوسیف، همانجا؛ عکاشه، ص ۱۹۳). این منار، که در ورودی آن نیز شکل خاصی دارد، از مهم ترین منارهای اولیه در معماری اسلامی مصر محسوب می گردد، زیرا از آن به بعد در ساخت منار، با ایجاد تغییراتی در تزیینات یا در بخش هشت ضلعی آن، تحول صورت گرفت (فاطمه محمد محجوب، ج ۱۲، ص ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۸۸).

از نکات شایان توجه در مسجد جیوشی، وجود دو اتاق کوچک با گنبد و محراب و عرض کمتر از یک متر بر بام مسجد است (برنس - ابوسیف، همانجا) که به درستی مشخص نیست به چه منظور ساخته شده اند. احتمال داده اند که مکان استقرار نگهبانان، محلی برای عبادت و ذکر و تمرکز یا جای استقرار مؤذن، به شیوه مساجد ایرانی، بوده باشند (← همانجا؛ پترسن، همانجا). مسجد جیوشی، از نظر معماری، بنایی منحصر به فرد است. حتی معلوم نیست که کارکرد دقیق آن در گذشته چه بوده

1. Kuban

اجتماعی نیز منشأ خدماتی، دست کم برای اهالی زادگاهش، باشد چنانکه توانست مدرسه‌ای در امیتهی بنا کند (حسنى، ج ۶، ص ۲۱؛ اختر راهی؛ د. اسلام، چاپ دوم، همانجاها).

جیون آثاری در فقه و تفسیر و تصوف تألیف کرد. نخستین کتاب او التفسیرات الاحمدیة فی بیان الآیات الشرعیة مع تعریفات المسائل الفقهیة است که آن را از ۱۰۶۴ تا ۱۰۶۹، در یک مجلد تألیف کرد و در ۱۰۷۵ آن را بازمینی و تصحیح نمود (حسنى، همانجا). این کتاب تفسیری فقهی بر اساس مذهب حنفی، به ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن، است که مؤلف در آن فقط به تفسیر آیات احکام - که به نظر او حدود ۱۵۰ آیه است - پرداخته و در ذیل هر آیه اختلافات مذاهب فقهی، از جمله شیعه و سنی، را مطرح کرده است (برای تفصیل بیشتر درباره‌ی روش و آرای تفسیری وی - ایازی، ص ۲۵۳-۲۵۶، به نقل از برخی بخشهای مقدمه و متن تفسیر جیون). تفسیر جیون چندین بار منتشر شده است، از جمله در کلکته (۱۲۶۳)، هند (۱۳۰۰) و بمبئی (۱۳۲۷)، با حواشی و تعلیقات مولوی رحیم‌بخش؛ سرکیس، ج ۲، ستون ۱۱۶۴؛ د. ا. د. ترک، همانجا).

دومین اثر جیون، نورالانوار فی شرح المنار نام دارد که شرحی است بر کتاب منارالانوار نسفی، مفسر و اصولی و فقیه حنفی قرن هفتم و هشتم، در موضوع اصول فقه. وی این کتاب را در ۱۱۰۵ در مدینه، به درخواست شاگردانش، طی دو ماه نوشت (جیون، ج ۲، ص ۳۱۶-۳۱۷؛ حسنى، همانجا). گفته شده او در تألیف این کتاب، که شرحی مزجی است، از هیچ منبعی استفاده نکرده است (اختر راهی، ص ۵۴). شرح جیون بر منارالانوار، در میان شروح متعدّد آن، مورد قبول و تحسین علما بوده (حسنى، همانجا؛ اختر راهی، ص ۵۳)، اگر چه از آن انتقاد هم شده است (صدیق حسن‌خان، همانجا). محمد عبدالحلیم لکهنوی و محمدبن مبارکشاه بخاری* دو حاشیه، به ترتیب به نامهای قمرالاقمار و دائرالوصول، بر نورالانوار نوشته‌اند (سرکیس، ج ۲، ستون ۱۵۹۸، ۱۶۳۲؛ د. ا. د. ترک، همانجا). وحیدالدین بن مسیح‌الزمان (یا مولوی وحیدالزمان) احادیث آن را استخراج و کتابی به نام اشراق الابصار فی تخریج احادیث نورالانوار (بمبئی ۱۲۸۸) نوشته است (د. ا. د. ترک؛ سرکیس، همانجا). نورالانوار به صورتهای گوناگون همراه با منارالانوار و قمرالاقمار و شروح دیگر المنار، از جمله کشف الاسرار (شرح خود نسفی)، چندین بار از ۱۸۱۸ (کلکته) تا ۱۹۸۶ (بیروت) به چاپ رسیده است (سرکیس، ج ۲، ستون ۱۱۶۴-۱۱۶۵، ۱۸۵۳، ۱۹۶۳؛ د. ا. د. ترک، همانجا؛ بروکلیمان، <ذیل>، ج ۲، ص ۲۵۱؛ برای آگاهی از نسخه‌های خطی التفسیرات الاحمدیة و نورالانوار - احمد، ص ۲۸۳، ۳۲۷). آثار دیگر جیون عبارت‌اند از: (۱) الشمس البازغة، در شرح

فراغت یافت. از بیست‌ودو سالگی تدریس را در زادگاهش آغاز کرد. در چهل سالگی ابتدا به اجمیر و سپس به دهلی رفت و در اقامت چندین ساله‌اش در آنجا، شاگردان بسیاری تربیت کرد. در ۱۱۰۲ برای نخستین بار از هند خارج شد و به مکه و مدینه رفت و پنج سال بعد به هند بازگشت و به خدمت اورنگ‌زیب درآمد. در ۱۱۱۲ برای دومین بار به حجاز سفر کرد و علاوه بر انجام مناسک حج، در مدینه به تدریس کتبی چون صحیحین و منارالانوار ابوالبرکات عبداللّه بن احمد نسفی* پرداخت. در ۱۱۱۶، به امیتهی برگشت و به تصوف گرایید. دو سال بعد، با گروهی از شاگردان و مریدانش به دهلی رفت و مدتی در آنجا ماند و سپس به همراه بهادرشاه اول، فرزند اورنگ‌زیب، به لاهور رفت. با مرگ بهادرشاه به دهلی بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند و بار دیگر خود را وقف تدریس کرد. او در ۱۱۳۰ درگذشت و پیکرش را در مسجد جامع دهلی دفن کردند و سپس به زادگاهش انتقال دادند (حسنى، همانجا؛ اختر راهی، ص ۵۰-۵۳؛ رحمان علی، ص ۴۵؛ نیز - د. اسلام، چاپ دوم؛ د. ا. د. ترک، ذیل ماده).

در بیشتر منابع به اینکه جیون حافظه‌ای خارق‌العاده داشته اشاره شده و از جمله شواهد این امر حفظ قرآن در هفت سالگی و از بر کردن قصیده‌ای طولانی با یک بار شنیدن دانسته شده است (آزاد بلگرامی؛ صدیق حسن‌خان، همانجاها).

جیون از صوفیان روزگار خود بود. طریقت چشتیه را از استادش، شیخ محمدصادق سترکهی، آموخت. خرقه‌ی خلافت قادریه از شیخ یاسین بن عبدالرزاق قادری به او رسید و در طریقت قادریه اجازه‌ی ارشاد داشت (حسنى؛ د. اسلام، چاپ دوم، همانجاها). جدّ وی، مخدوم خاصه خدا، از عارفان مشهور امیتهی بود (اختر راهی، ص ۵۰).

جیون با پادشاهان هند، از جمله اورنگ‌زیب و فرزندش بهادرشاه اول، مناسبات خوبی داشت (اختر راهی، همانجا). وی، با وجود سن کم، از ابتدای به حکومت رسیدن اورنگ‌زیب مورد احترام و تکریم او بود و احتمالاً از همان زمان معلم پادشاه شد (صمصام‌الدوله شاهنوازخان، ج ۳، ص ۷۹۴؛ د. اسلام، چاپ دوم، همانجا). رابطه‌ی خوب جیون و اورنگ‌زیب تا زمان مرگ پادشاه ادامه داشت (د. اسلام، چاپ اول، ذیل ماده)، چنان که جیون در حدود شصت سالگی، شش سال در دکن نزد وی اقامت کرد (آزاد بلگرامی؛ رحمان علی، همانجاها). درباره‌ی چگونگی مناسبات این دو، حکایاتی باقی مانده است (سرکس راهی، ص ۵۱). جیون به فرخ‌سیر، یکی دیگر از پادشاهان هند، نیز تقرب جست (حسنى، همانجا؛ اختر راهی، ص ۵۲).

موقعیت خاص و جایگاه علمی و اخلاقی جیون در دربار پادشاهان موجب شد که وی علاوه بر تعلیم و تدریس، از نظر

جیوه در کیمیاگری اهمیت بسیار داشته است و امروزه مصارف صنعتی متعددی دارد.

واژه جیوه در زبان اوستایی به صورتهای -*ĵiva*، -*ĵiva*، -*ĵiva* و -*ĵvaya*، به معنای زنده، با روح و جاندار به کار رفته (بارتولومه^۲، ستون ۶۰۹-۶۱۰) و معرب آن زَنْبِق، زَنْبِق و زاووق است (عنسی، ص ۳۲). در فارسی، سیماب هم برای آن به کار رفته است (برای نمونه ← جوهری نیشابوری، ص ۲۹۶). جیوه در ۲۵ ماده کانی وجود دارد، ولی یگانه کانی مهم آن سولفور طبیعی جیوه به نام شَنْگَرَف^۳ (در دیوسکوریدس^۴، ص ۴۱۷؛ منیون و قناباری [معرب واژه یونانی *κίτταβαρι*؛ پلینیوس / پلینی اکبر^۵، ج ۹، کتاب ۳۳، ص ۸۵؛ مینیوم^۶؛ ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۷۹؛ زَنْجَفَر^۷؛ همو، ۱۳۷۰ ش، ص ۳۱۷؛ زَنْجَرَف^۸)، با علامت شیمیایی HgS، است که بیش از ۸۵٪ آن جیوه است (شارپ، ذیل "mercury"؛ زاوش، ص ۲۶۵). یونانیان، رومیان، هندیان، مصریان و چینهای باستان، جیوه (پلینیوس، ج ۹، کتاب ۳۳، ص ۷۵، ۷۷؛ د. اسلام، چاپ دوم، ذیل "Zibak"؛ زاوش، همانجا) و نیز همبسته (آلیاژ)های آن، به نام مَلْغَمَه، را می شناختند (رازی، ۱۳۷۱ ش، با ضبط ملغمه، ص ۴۸، نیز با ضبط ملغمه، ص ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۷؛ نیز ← خوارزمی، ص ۲۶۵). به سبب اهمیت جیوه در کیمیاگری و نیز به سبب اینکه آن را از مهم ترین ارکان سنگ فلاسفه (اکسیر اعظم ← کیمیا^۹) می دانستند (برای نمونه ← جابرین حیان، ۱۹۶۷ الف، ص ۱۸۱-۱۸۲)، اسمهای فراوانی به آن داده شده و انصاری شیرازی (ص ۲۱۳-۲۱۴) همه آنها را درج کرده است. برای جیوه در کانی شناسی نیز نقش بسیار مهمی قائل بودند (← ادامه مقاله). در قدیم، منابع جیوه را در حدود پارس، ولایت فرغانه، اندلس (بکران، ص ۱۰۰؛ حمدالله مستوفی، ص ۲۰۶) و شیز (یاقوت حموی، ذیل «شیز»؛ ابن بیطار، ج ۲، ص ۱۷۷ با ضبط شیر، به نقل از طبری) می شناختند.

آرای دانشمندان یونانی درباره جیوه، بر اطلاعات دانشمندان دوره اسلامی درباره این ماده تأثیر بسیاری داشته است. ارسطو^۷ جیوه را نقره ای می دانسته که آفتی در آن وارد شده است (ص ۱۲۳). پلینیوس^۵، در سیرالخلیقه (یا کتاب العلل؛ ص ۲۴۳-۲۴۵) چگونگی تکون جیوه را در معدن شرح داده است. او تکون جیوه را بر اثر مسدود شدن آن در معدن و بارها بخار شدن آن بر اثر گرما و سپس سرد شدن و پایین آمدن آن به صورت مایع دانسته است. به گفته او (ص ۲۴۴، ۲۴۹)، جیوه

الحکمة البالغة نوشته ملامحمودبن محمد جونپوری* (متوفی ۱۰۶۲) در طبیعیات و عقلیات. این کتاب دوبار در لکهنو (۱۲۸۰، ۱۳۰۸) با حواشی مختلف چاپ شده است (سرکیس، ج ۲، ستون ۱۷۰۴؛ نیز ← د. ا. د. ترک، همانجا؛ بروکلیمان، <ذیل>، ج ۲، ص ۶۲۱). ۲) السوانح، به سبک لوانح جامی، که در ۱۱۱۲ آن را نوشت. ۳) مناقب الاولیاء، به فارسی، در شرح حال اولیا و مشایخ تصوف. پسرش، عبدالقادر، بعدها تتمه ای بر آن نوشت. ۴) آداب احمدی، در تصوف و سیر و سلوک عرفانی (حسینی، همانجا؛ اخترراهی، ص ۵۳-۵۴).

السؤالات الاحمدية فی ردالملاحدة، خطبات جمعه و عیدین، و رساله در علم تجوید نیز به وی منسوب است (← اختر راهی، ص ۵۳؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۱۷۰). جیون، به گفته خودش، اشعاری به استقبال از مثنوی معنوی شامل ۲۵'۰۰۰ بیت، دیوانی به استقبال از دیوان حافظ در ۲۵'۰۰۰ بیت و نیز قصایدی به زبان عربی سروده است (← حسینی، ج ۶، ص ۲۱-۲۲؛ اختر راهی، ص ۵۴).

منابع: میرغلامعلی بن نوح آزاد بلگرامی، سبحة المرجان فی آثار هندوستان، بمبئی ۱۳۰۳/۱۸۸۶؛ سفیر اخترراهی، تذکرة مصنفین درس نظامی، لاهور ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ محمدعلی ایازی، المفسرون: حیاتهم و منهجهم، تهران ۱۴۱۴؛ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ احمدین ابی سعید جیون، شرح نورالانوار علی المنار، در عبدالله بن احمد نسفی، کشف الاسرار شرح المصنف علی المنار، ج ۲، بولاق ۱۳۱۶؛ عبدالحی حسینی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، ج ۶، حیدرآباد، دکن ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ رحمان علی، تذکرة علمای هند، لکهنو ۱۹۱۴؛ یوسف الیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعربة، قاهره ۱۳۴۶/۱۹۲۸، چاپ افست قم ۱۴۱۰؛ صدیق حسن خان، ابجدالعلوم، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا]؛ صمصام الدوله شاهنوازخان، مآثر الامرا، کلکته ۱۸۸۸-۱۸۹۱؛

Zubaid Ahmad, *The contribution of Indo-Pakistan to Arabic literature: from ancient times to 1857*, Lahore 1968; Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litteratur*, Leiden 1943-1949, *Supplementband*, 1937-1942; *EI*¹, s.v. "Dj iwan" (by M. Hidayet Hosain); *EI*², s. v. "Dj iwan" (by A. S. Bazmee Ansari); *TDVIA*, s.v. "Civen" (by Orhan Çeker).

/ مهرداد عباسی /

جیوه^۱، عنصر فلزی معروف، با علامت شیمیایی Hg، به رنگ سفید نقره ای، که در دمای معمولی مایع است. درگذشته،

1. mercury, quicksilver (هر دو انگلیسی)

2. Bartholomae

3. cinnabar (انگلیسی)

4. Dioscorides

5. Plinius/ Pliny [the Elder]

6. minium

7. Aristoteles